

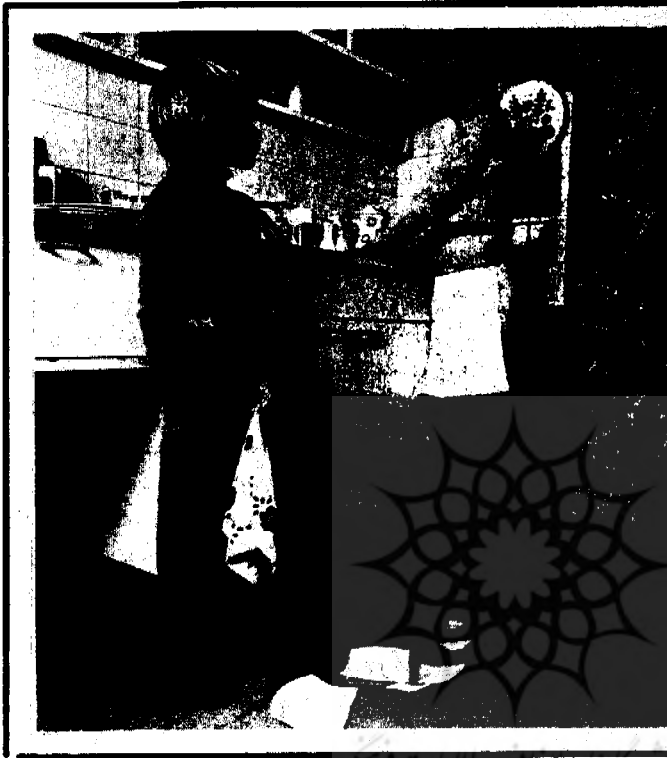
## با بچه‌های شیطان و خلاف کار چه کنیم؟

آیا تنبیه و مجازات در مورد بچه‌ها اثر مثبت دارد؟

ولی با تمام این احوال آیا ممکن است که اصلا کودکان را تنبیه نکرد؟ و تربیت و پرورش بچه‌ها را بدون تنبیه و ترس از آن انجام داد؟ این سوالی است که بدشواری میتوان بآن پاسخ داد.

البته در اینجا منظور از تنبیه بدنی

در روان‌شناسی کودک ثابت شده است که تنبیه کودکان نتیجه مثبتی نخواهد داشت بلکه در بیشتر از موارد نتیجه آن منفی است. غالب از اولیا هم متوجه اثر منفی و معکوسی که تنبیه کودکان بخشیده است شده و و آنرا تجربه کرده‌اند.



(تو همبازی خودت را آزار کرده‌ای بنابراین باید مجازات بشوی که دیگر اینکار را نکنی)، دوم جنبه عبرت آموزی (کودکی در درس خود نمره بد گرفته است و او را از رفتن به سیهمانی بخاطر این غفلت و تنبلی در درس محروم می‌کنند) سوم جنبه جبران (بچه‌ای شیشه میز را شکسته است و از پول توجیبی او مرتب کسر می‌گذارند که جریمه بشود) .

در یک آمارگیری که از ۱۵۰۰ نفر از اولیای بچه‌ها در آلمان انجام شد این نتیجه بدست آمد که معمولترین تنبیه‌ها و مجازاتهای خانوادگی محروم کردن بچه‌ها از تماشای تلویزیون است . از هر سه مادری یک نفر این تنبیه را درباره کودکانشان خود معمول میدارد ، بعد از این تنبیه در مرحله دوم

نیست . زیرا در اینکه تنبیه بدنی برای کودکان مضر و زیان‌آور است هیچگونه شک و تردیدی نمیتوان داشت ولی در مورد انواع دیگر تنبیه شک و تردید وجود دارد.... کودک برای آنکه اقدام به یک کار خلاف نکند ، باید ترس و نگرانی از تنبیه داشته باشد . این کار خلاف از شکستن یک شیشه ، تا پاره شدن لباس ، نمره بد گرفتن ،

و ریختن چربی و غذاروی میز نیز ممکن است باشد . تنبیه‌ها انواع مختلفی از یک نگاه تندو ملاست‌بار تا تحکم و تشدد و بالاخره کسر پول جیبی و جلوگیری از رفتن به سینما یا تفریحگاه ممکن است باشد .

تنبیه کودکان بطور کلی سه جنبه مختلف ممکن است داشته باشد ، اول جنبه انتقاسی

کشیدن گوش بچه‌ها قرار دارد ، و بعد از آن بالاخره مجبور کردن بچه‌ها باینکه زودتر از معمول باطاق خواب خود رفته و بخوابند. از هر هفت مادری ، یک نفر بچه‌های خود را با زندانی کردن در خانه مجازات می‌کند بعضی از مادرها هم با محروم کردن بچه‌ها از خوردن دسر و شیرینی و یا جلوگیری از ملاقات آنها با دوستان و هم‌بازیهایشان آنها را تنبیه می‌کنند .

همه این مادرانی که بچه‌های خود را تنبیه می‌کنند اینکار را فقط بخاطر سعادت و هدایت کودکان خود انجام میدهند و آرزو دارند که بچه‌هایشان خوشبخت شوند ولی باید دید که آیا آنها راه درستی را طی میکنند ؟ در حقیقت مسئله تنبیه بچه‌ها با سن آنها ارتباط زیادی دارد و در این مورد همیشه باید سن بچه‌ها را در نظر گرفت .  
**آیا بچه‌های کوچک را باید تنبیه کرد ؟**

جواب این سؤال بدون تردید منفی است و بچه‌های کوچک، دو تا سه ساله را بهیچوجه نباید تنبیه کرد . علت آنهم معلوم است . زیرا بچه کوچکی که نمیفهمد و تشخیص نمیدهد که چه کاری بدوچه کاری خوبست چگونه ممکن است مورد تنبیه قرار گیرد ؟ بچه‌های کوچک در حقیقت هرکاری را که می‌کنند جنبه آزمایش دارد ، آنها میخواهند بفهمند که اگر دست به چیزی بزنند ، چه می‌شود و بنابراین اگر ندانسته خرابی بار آوردند نباید تنبیه شوند و در حقیقت این وظیفه بزرگترهاست که شرایط و محیط اطراف کودکان را طوری آماده کنند که آنها مجال خرابکاری و لطمه زدن را پیدا ننمایند ، و بعلاوه بزرگترها باید بچه‌ها را با خطرات آشنا کنند و بانها بفهمانند که اگر دست

خود را بطرف آتش ببرند میسوزند و یک مرتبه که بچه حس کرد دستش میسوزد دیگر هرگز با آتش نزدیک نمی‌شود و گرنه تنبیه و کتک زدن و داد زدن بسر او فایده‌ای نخواهد داشت .

**بچه‌هایی که عصبانی شده و گریه میکنند**  
خیلی از بچه‌ها هستند که بدون جهت داد و فریاد و گریه می‌کنند و گاهی هم خودشان را می‌زنند ... با این قبیل بچه‌ها چه باید کرد و چطور باید آنها را ساکت کرد ؟ تندخویی و تشدد باین کودکان و احیاناً تنبیه کردن آنها نتیجه بعکس خواهد داد و درست مانند اینست که روی آتش نفت بریزند و انتظار داشته باشند که شعله آن خاموش شود! . در مقابل این کودکان چه باید کرد و چه عکس‌العملی باید نشان داد ؟ بعضی از مادران هستند که خونسردی خود را حفظ میکنند ، بگریه و داد و فریاد این بچه‌ها اهمیت نمیدهند و آنها را بحال خود میگذارند که آنقدر گریه کنند که خسته شوند و بدانند که با گریه ناری پیش نخواهد رفت . بعضی دیگر از مادران هم به این کودکان خود دستور میدهند که باطاق خود بروند ، و مادران دیگری بکودکان خود میگویند: «میدانم که تو اشتباه کرده‌ای و عصبانی شده‌ای ، باطاق خود برو و هر قدر میخواهی گریه کن ، وقتی گریهات تمام شد بیا تا با هم صحبت کنیم !»  
اینها روشهایی است که اولیا در مقابل کودکان خود اتخاذ می‌کنند و هر یک به نحوی درصدد آرام کردن کودک خود برمیآیند .

### محروم کردن از تماشای تلویزیون

مادری از دختر دهساله خود که برای خرید به کوچه فرستاده است بقیه پول را

مطالبه میکند و دختر جواب میدهد که از پول بقیه‌ای نمانده است ، اما مادر پس از بازرسی مختصری عروسک کوچکی را زیر لباسهای دخترش کشف میکند ، عروسکی که او محرمانه از بقیه پولها خریده است ، مادر عصبانی می‌شود و فریاد میکشد: «پس تو دروغ هم می‌گویی ؟ مجازات تو این است که تا سه روز حق نداری تلویزیون تماشا کنی.» آیا این مجازات صحیح است ؟ برای جواب باین سؤال باید در نظر داشت که اولاً تلویزیون یک وسیله پرورشی است و از برنامه‌های آن باید بعنوان پرورش صحیح کودکان و بالا بردن سطح فهم و دانش آنها استفاده کرد و در حقیقت کودکان را باید بسرای تماشای برنامه‌های تربیتی تلویزیون تشویق کرد نه اینکه محرومیت از تماشای تلویزیون را بعنوان یک مجازات در سورد آنها بکار برد . بعلاوه باید دید که اصولاً دروغ گفتن یک بچه و با بقیه پول عروسک خریدن چه ارتباطی با تلویزیون می‌تواند داشته باشد ؟ مجازات معمولاً باید طوری باشد که بنحوی ارتباط به عمل خلاف داشته باشد ، مثلاً در این مورد کودک باید جریمه نقدی شود و از پول توی جیبی تا مدتی کسر گردد و نه اینکه از تماشای تلویزیون محروم شود .

### کار بعنوان جریمه

فریدون نه ساله روزها از مدرسه دیربه خانه برمیگردد و در کوچه و خیابان معطل می‌شود . پدر و مادر او بفکر می‌افتند که بنحوی او را مجازات کنند که دیگر دیربمنزل نیاید و راهی که بنظرشان میرسد این است که باو میگویند ، چون چند بار دیر بخانه آمدی ، بعنوان مجازات باید اطاعت را خودت

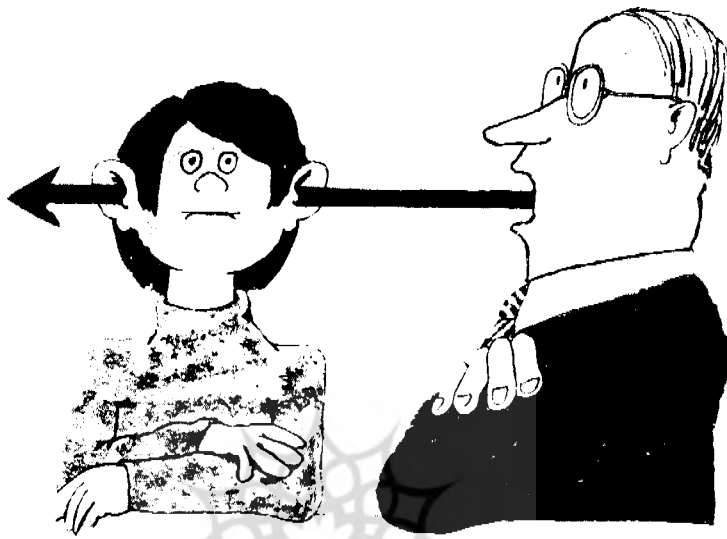
تمیز و مرتب کنی ...

این یک نوع تنبیه و مجازات صددرد غلط است ، زیرا تمیز کردن و مرتب کردن اطاق یک نوع کار است که هر کودک باید خودش آنرا انجام دهد و این کار را بعنوان مجازات نباید به کودک تحمیل کرد زیرا در این صورت کودک تصور خواهد کرد که تمیز کردن اطاق کار بدیست که بعنوان مجازات باو تحمیل شده است و دیگر هرگز این کار را که همه بچه‌ها بطور معمول میکنند انجام نمیدهد .

هیچوقت کار را بعنوان جریمه و مجازات به کودکان تحمیل نکنید زیرا با این عمل آنها از کارهای عادی متنفر و شمشز خواهند شد .

### جریمه موجب پیشرفت نمی‌شود

بعضی از اولیاء عادت کرده‌اند که کودکان را بطور ناخودآگاه بخاطر عملی که کرده‌اند دوبار تنبیه میکنند و این تنبیه از هر جهت ناسوجه است ، مثلاً مادر فرهاد باو میگوید که اگر در امتحان نهایی موفق شود و در درس حساب نمره خوب بگیرد یک دوچرخه برایش خریداری میکنند ولی واقعاً با آنکه فرهاد سعی خود را میکند در درس حساب نمره پنج میگیرد و در نتیجه در امتحان رد می‌شود و البته بدین ترتیب دوچرخه را که قرار بود بعنوان جایزه بگیرد از دست میدهد ولی مادر و پدرش باین جریمه که نخریدن دوچرخه باشد اکتفا نمی‌کنند و او را تنبیه هم می‌کنند که چرا نمره بد گرفته است و بدین ترتیب کودکان را در حقیقت دوبار تنبیه کرده‌اند که از نظر روانی و تربیتی درست نیست . اصولاً باید دانست که هیچگاه کودک باین ترتیب در دروس خود پیشرفت نکرده است و اگر پدر و مادر فکر میکنند که



و به کودک خود حمله می کند .  
این قبیل مادران باید بدانند که اثر  
بعضی حرفها در بچه ها از کتک و تنبیه بدنی  
هم زیادتر و شدیدتر است . کلماتی نظیر  
«ترا دیگر دوست ندارم» ، «تو دیگر بچه من  
نیستی» اثر بسیار ناگوار و بدی در روحیه  
بچه باقی میگذارد ، بچه خود را کاملاً  
تنها ، بی پناه و گناهکار حس میکند و حس  
اعتماد به نفس خود را بکلی از دست میدهد.

#### اثر داد و فریاد

یکی از روان شناسان معروف که در  
آپارتمانی زندگی میکند ، حکایت میکند که  
یکروز از پنجره آپارتمان به داخل حیاط  
نگاه میکردم ، دختر بچه کوچکی را دیدم که  
داشت با خاک بازی میکرد در این موقع مادر  
او از طبقه دیگر آپارتمان متوجه دخترش  
شده و او را صدا کرد که از بازی باخاک دست  
بکشد ولی دختر به فریاد مادر وقتی نگذاشت ،  
بار دیگر او صدای خود را بلندتر کرده به  
دختر خود اخطار کرد که بلند شو ولی بازهم  
دختر از جای خود تکان نخورد ، برای  
سومین بار مادر چند ناسزا و فحش به  
دختر داد و آنوقت دختر تازه از جای خود بلند شد

کودک آنها با تنبیه ممکن است در دروس  
خود جلو برود ، مرتکب اشتباه شده اند در این  
مواقع تنها موردی که ممکن است مفید واقع  
شود این است که کودک و اولیا او با یکدیگر  
همفکری کنند که علت عدم موفقیت کودک  
چیست ، راه حل آنرا پیدا کنند و از آن راه  
اقدام نمایند .

#### حرف هایی که از کتک بدتر است

مادر فرشته باو سفارش کرده است که  
به دستگاه ضبط صوت نزدیک نشود و آن  
دست نزند ، اما فرشته حرف مادر را گوش  
نکرده و چندبار آهسته ضبط صوت را دستکاری  
میکند . آخرین بار بالاخره ضبط صوت خراب  
می شود و مادر او از ماجرا مطلع می شود  
آنوقت باران ناسزا و فحش بر سر فرشته میبارد  
که چرا اینکار را کرده است . مادر فریاد  
می کند : «تو یک بچه دیوانه احمق هستی ،  
چندبار گفتم که اینکار را نکنی ، برو گشو  
تو دیگر بچه من نیستی ، دیگر نمیخواهم  
ترا به بینم ....»

فرشته درحالی که از حرفهای مادر خود  
بشدت متأثر شده و گریه می کند باطاق خود  
پناه می برد و مادر تا چند ساعت بعد میفرد

و من متوجه شدم که این کودک عادت کرده است ، موقعی حرف و دستور مادر خود را جدی بگیرد که از او ناسزا و فحش بشنود ! وگرنه هرگز با زبان خوش دستورات او را انجام نمیدهد !! این اثر فحش دادن و تنبیه زبانی پی درپی کودکان است .  
چه باید کرد ؟

بدین ترتیب ملاحظه می شود که تنبیه اثر رضایت بخش و خوبی در کودکان ندارد و در ضمن اگر کودکان تنبیه هم نشوند معلوم نیست که پس چطور باید به وظایف خود آشنا شوند و از کارهای خلاف آنها جلوگیری شود ؟ این مسوالی است که غالب پدران و مادران میکنند ولی متأسفانه جواب صحیحی نمیتوان به سؤال آنها داد زیرا در موارد مختلف و خلافهایی که بچه ها میکنند و با روحیاتی که هر بچه دارد ، باید پدر مادر روش خاصی در مقابل او اتخاذ کنند .  
ولی روان شناسان با تجربیات زیادی که در این باره اندوخته اند ، راه هایی را توصیه میکنند که قابل توجه است :

\* در موارد جزئی ، مانند اشکالاتی که بچه ها از نظر انجام تکالیف مدرسه دارند ، دشواریهایی که در غذا خوردن دارند و یا شکستن و خراب کردن غیر عمد اشیاء اولیا باید اصولاً از تنبیه کودک بهر صورتی خودداری کنند و فقط او را بطور غیر مستقیم پند و اندرز دهند .

\* عکس العمل پدر و مادر در مقابل کارهای ناشایست کودکان باید متناسب با کارهای آنها باشد و برای هر کار جزئی و کوچک نسبت به کودکان عکس العمل شدید نشان ندهند .

\* در هیچ موردی نباید کاری کرد که

به حس اعتماد به نفس کودکان خلل وارد شود .

\* از حمله و انتقاد مستقیم به کودک خودداری کنند ، مثلاً باو نگویند که تو بد هستی بلکه مثلاً بگویند آن کاری را که کرده ای خوب نیست و بد است .

\* از تهدیدات توخالی به بچه ها خودداری کنید ، این تهدیدات روحیه بچه ها را خراب میکند و ضمناً چون هیچوقت ایسین تهدیدات را عملی نمی کنید اعتقاد آنها را نسبت بشما سلب می کند .

\* از کارهای انتقاسی نسبت به کودکان خودداری کنید و هیچوقت نگویند که چون آنها این کار بد را کرده اند پس شما برای آنها اسباب بازی نمیخرید .

\* موقعی که یکی از بچه ها کار خلافی کرده است هرگز همه آنها را مورد بازخواست و تنبیه قرار ندهید .

\* موقعی که کودک کسار خلافتی را کرد پدر و مادر می توانند اخم های خود را در هم بکشند تا کودک متوجه شود کار درستی نکرده است .

\* پس از هر اخم و ترش رویی بفاصله کوتاهی پدر و مادر باید جبران بدخلقی خود را بکنند و کودکان را خصوصاً قبل از خواب بوسید تا خاطره آن بدخلقی از نظر آنها محو شود .

\* اگر هم بچه ها بزرگ هستند می توانید چند ساعت پس از اوقات تلخی با مهربانی و حرفهای ملایم جبران بدخلقی خود را بکنید .

\* بهترین راه فرار از تنبیه آنست که زندگی خانوادگی خود را براساس اعتماد متقابل کلیه افراد نسبت به یکدیگر ترتیب دهید .